

عملکرد آموزش و پرورش برای کودکان بازمانده از تحصیل

کودکان بازمانده از تحصیل در گروه سنی ۱۷-۶ سال تعریف می‌گردند. این گروه سنی دانش‌آموزان مقاطع تحصیلی ابتدایی- راهنمایی و متوسطه (متوسطه اول و دوم) را در بر می‌گیرند.

مسئولان آموزش و پرورش ایران از ابتدای دهه هشتاد، توجه ویژه و با برنامه به کودکان بازمانده از تحصیل را پی گرفتند. البته در قانون برنامه سوم (۱۳۸۳-۱۳۷۹) توجه به موضوع پوشش تحصیلی و کیفیت آموزش در بند ب و ج ماده ۱۴۳ پیش‌بینی شده بود. اما توجه ویژه همراه با برنامه از ابتدای سال ۸۰ آغاز شد. مهمترین برنامه در قالب طرح EFA موسوم به "آموزش برای همه" بود^۱. براساس این طرح آموزش و پرورش مجوزهای قانونی را در برنامه پنجساله چهارم (۱۳۸۸-۱۳۸۴) به دست آورد و در بندهای الف، ب و ی ماده ۵۲ قانون برنامه ابعاد طرح "آموزش برای همه" مورد شناسایی و تأکید قانون‌گذاران قرار گرفت. متناسب با آن دفتری در ستاد وزارت آموزش و پرورش ذیل معاونت آموزش عمومی برای پیگیری مصوبات تشکیل شد^۲. این دفتر تا سال ۱۳۸۸ بر اجرای طرح آموزش برای همه نظارت داشت. ذیل برنامه "آموزش برای همه" طرحهای مختلفی برای توسعه پوشش تحصیلی در مناطق مختلف کشور اجرایی گردید. تلاش‌هایی که در قالب برنامه آموزش برای همه صورت گرفته است، تا حدودی در ارتقاء پوشش تحصیلی در دوره ابتدایی و راهنمایی مؤثر بوده است. این ارزیابی در گزارش میان دهه (۸۵-۱۳۷۹) که توسط "دفتر هماهنگی و نظارت بر برنامه آموزش برای همه" تنظیم شده اشاره گردیده است.

۱- در سال ۱۳۶۹ (۱۹۹۰ میلادی) کنفرانسی تحت عنوان "آموزش برای همه" به همت ۵ سازمان بین‌المللی یونسکو، یونیسف، صندوق جمعیت سازمان ملل، بانک جهانی و برنامه عمران ملل متحد با هدف گسترش سواد در جهان، افزایش فرصت‌های یادگیری برای همگان و بهبود کیفیت یادگیری در "جامتین" تایلند برگزار شد. در سال ۱۳۷۹ (۲۰۰۰ میلادی) ارزیابی آموزش برای همه با پشتیبانی ۵ سازمان یاد شده در سطح جهان انجام شد. نتایج ارزیابی ملی کشورها در شش اجلاس منطقه‌ای مورد بررسی قرار گرفت و بر اساس آنها چارچوب عمل منطقه‌ای تدوین شد. در اجلاس جهانی آموزش برای همه در داکار سنگال (اردیبهشت ۷۹)، چارچوب‌های منطقه‌ای، اساس تهیه اعلامیه نهایی اجلاس داکار قرار گرفت و سران و وزرای آموزش و پرورش کشورها متعهد شدند که با بسیج تمامی امکانات خود، در راه دستیابی به اهداف این اعلامیه بکوشند و تا سال ۱۳۹۴ (۲۰۱۵) میلادی مفاد آن را در کشورهای خود جامه عمل ببوشانند وزیر آموزش و پرورش وقت ایران یکی از امضا کنندگان این قرارداد بود.

۲- در سال ۱۳۸۲ سند آموزش برای همه تنظیم گردید، مصوبات قانونی آن فراهم شد، و برای محقق کردن اهداف آموزش برای همه اقدامات مبتنی بر برنامه آغاز گردید. این سند در برنامه چهارم توسعه کشور وارد شد. در بند الف ماده ۵۲ عنوان شده است: آموزش و پرورش و دولت برای تحقق اهداف آموزش برای همه باید تلاش کند. در بند ب ماده ۵۲ نیز آمده است که آموزش برای کودکان لازم‌التعلیم باید اجباری شود و تا پایان برنامه چهارم محقق شود. برای اجرای بند ب ماده ۵۲ برنامه چهارم توسعه، آیین‌نامه اجباری کردن آموزش تا پایان دوره راهنمایی به تصویب هیئت دولت رسید. در این آیین‌نامه آمده است که هیچ یک از والدین حق ممانعت از تحصیل کودک را ندارند و اگر کودک توسط والدینش از تحصیل منع شود، آموزش و پرورش و مراجع قانونی حق شکایت و پیگیری موضوع را دارند. در این آیین‌نامه دولت، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی را موظف کرده است همه ساله بودجه‌ای را به منظور اجرای این آیین‌نامه به استانها اختصاص دهد تا بتوانند این آیین‌نامه را اجرا کنند. علاوه بر این آیین‌نامه، در بند ماده ۵۲ برنامه چهارم توسعه کاهش بی‌سوادان کشور تا حد ۵۰ درصد را مورد توجه قرار داده است. برای این بند از ماده ۵۲ آیین‌نامه اجرای آن نوشته شده و به تصویب هیئت دولت رسیده است که برای اجرا به استانها ابلاغ شده است.

در گزارش ارزیابی میان دهه "برنامه آموزش برای همه" که مقطع تاریخی ۸۵-۱۳۷۹ را دربردارد. در بخش دوم این متن به تحلیل و ارزیابی اهداف^۳ "برنامه آموزش برای همه" پرداخته است. ذیل ارزیابی هدف دوم: "آموزش ابتدایی اجباری و پوشش کامل آن در بین اقلیت‌ها، دختران و دسترسی کامل" به برنامه‌های اجرایی آموزش و پرورش برای تحقق هدف‌ها اشاره کرده است. که شامل ۱۹ برنامه برای تحقق هدف‌های یاد شده بودند. از ۱۹ برنامه، برخی اساساً برنامه‌های خاص پروژه "آموزش برای همه" نیست و از قبل جز سیاست‌ها و برنامه‌های آموزش و پرورش بوده است. مانند توسعه آموزش و پرورش عشایری، توسعه مدارس غیرانتفاعی، توسعه فعالیت‌های فوق برنامه، تقویت گروه‌های آموزشی، اجرای طرح کرامت، آموزش مهارت‌های زندگی به دانش‌آموزان و والدین و ... تنها برنامه‌ای که می‌توان به عنوان برنامه خاص آموزش برای همه یاد کرد برنامه شماره ۱ یعنی "طرح جذب دختران بازمانده از تحصیل" که با مشارکت مرکز زنان نهاد ریاست جمهوری در برخی استانها اجرا شده و برنامه شماره ۲ که خاص طرح آموزش دختران در استانهای کمتر توسعه یافته هست اشاره کرد.

قابل ذکر است که برنامه پنجم توسعه که از سال ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۴ را پوشش می‌دهد، توجه مستقیمی به برنامه آموزش برای همه نداشته است، مضافاً تأکیدهای برنامه چهارم را در خصوص اجبار تحصیل در دوره ابتدایی و راهنمایی دنبال نموده است و صرفاً در بند د ماده ۱۹ تضمین دسترسی به فرصت‌های برابر آموزشی را تقریر کرده است.

در مجموع می‌توان گفت جدی‌ترین برنامه برای ارتقاء کیفیت آموزش پایه و توسعه پوشش تحصیلی همین برنامه "آموزش برای همه" بود. که هم طرح و برنامه روشن و تعریف شده‌ای داشته، هم سازمان مشخص و هم پشتیبان قانونی و نهایتاً اعتبار مالی لازم را برای اجرا در اختیار داشته است. در مجموع علی‌رغم این امتیازات گزارش میان دهه "آموزش برای همه" که در سال ۱۳۸۶ تدوین شده است، نتوانسته است رابطه دقیقی را بین

۳- اهداف آموزش برای همه عبارتند از: الف- توسعه، مراقبت و آموزش جامع در اوان کودکی به ویژه برای کودکان محروم و آسیب‌پذیر، تضمین اینکه تا سال ۲۰۱۵ میلادی همه کودکان به ویژه دختران و اطفالی که در وضعیت دشوار قرار دارند و کودکان اقلیت‌های قومی به آموزش ابتدایی اجباری و با کیفیت خوب و کامل دسترسی داشته باشند. ب- تضمین اینکه نیازهای یادگیری همه جوانان و بزرگسالان از طریق دسترسی برابر به یادگیری متناسب با برنامه مهارت‌های زندگی میسر شود، رسیدن به ۵۰ درصد پیشرفت در سطح سواد بزرگسالان تا سال ۲۰۱۵ به ویژه برای زنان و دسترسی برابر و یکسان به آموزش پایه و مداوم برای همه بزرگسالان از نمونه اهداف آموزش برای همه است. ج- از دیگر اهداف می‌توان به حذف نابرابری‌های جنسیتی در آموزش ابتدایی و راهنمایی تا سال ۲۰۰۵، دستیابی به تساوی جنسیتی در آموزش و پرورش تا سال ۲۰۱۵ با تضمین اینکه دختران به آموزش پایه و با کیفیت خوب دسترسی یکسان داشته باشند و بهبود تمام جنبه‌های کیفی آموزش و پرورش و تضمین اعتلای آن برای همه به طوری که همه نتایج یادگیری قابل اندازه‌گیری و مشخص، به خصوص در سواد خواندن، نوشتن و حساب کردن و مهارت‌های اساسی زندگی و شهروندی برای همه به دست آید.

اقدامات ناشی از اجرای برنامه آموزش برای همه و ارتقاء کیفیت آموزش ابتدایی و توسعه پوشش تحصیلی در دوره عمومی آموزش و پرورش را نشان دهد.

در سالهای اخیر سهم پسران و دختران در بازماندگی از تحصیل در حال حاضر نسبتاً یکسان است.^۴ و هر دو تحت تأثیر مؤلفه‌های اجتماعی و اقتصادی ویژه از تحصیل بازمانده‌اند. نکته قابل توجه آن است که نتایج سرشماری سال ۱۳۹۰ در گروه سنی ۶-۱۴ سال حاکی از آن است که در مناطق شهری جمعیت پسران بازمانده از تحصیل بیش از دختران است. جمعیت بازمانده از تحصیل گروه سنی ۶-۱۴، ۱۹۳۷۸۵ نفر می‌باشد که از این جمعیت ۹۵۰۱۰ نفر دختر و ۹۸۷۷۵ نفر پسر هستند، یعنی نسبتی معادل ۴۹ درصد دختر و ۵۱ درصد پسر هستند.^۵ جمعیت بازمانده از تحصیل روستا در گروه سنی ۶-۱۴ سال کمی متفاوت از شهر است. به طوری که جمعیتی حدود ۱۵۲۹۹۱ نفر از تحصیل بازمانده‌اند. از این جمعیت ۷۳۱۴۲ نفر پسر هستند و ۷۹۸۴۹ نفر دختر هستند نسبتی معادل ۵۲ درصد دختر و ۴۸ درصد پسر می‌باشد. بگذریم که سهم مکانی جمعیت بی سواد در گروه سنی ۶-۱۴ سال، ۵۶ درصد شهر و ۴۴ درصد روستا است.^۶

۴- براساس سرشماری سال ۱۳۹۰، جمعیت بی‌سواد گروه سنی ۶-۹ پسران ۱۱۹۲۴۹ نفر و دختران ۱۱۷۲۸۹ نفر و جمعیت بی‌سواد گروه سنی ۱۰-۱۴ پسران ۵۳۵۲۴ نفر و دختران ۵۸۵۸۰ نفر است.

۵ - نتایج سرشماری عمومی سال ۱۳۹۰.

۶- جمعیت گروه سنی ۶-۱۰ ساله در سال ۱۳۸۵، ۵/۶۰۱ هزار نفر بوده است. جمعیت دانش‌آموزی در همین گروه سنی ۴/۹۵۷ هزار نفر بوده است (نتایج تفصیلی سرشماری سال ۱۳۸۵)